

بهبود امنیت اجتماعی با الگوی سلسله مراتبی حمایت کیفری از آزادی‌های اساسی

^۱ مهدی مهری

^۲ نسرين مهرا

^۳ علی محمد مهدوی ثابت

^۴ قاسم قاسمی

چکیده

امنیت اجتماعی مفهومی چند وجهی و یک ضرورت برای استمرار هویت اجتماع است. امنیت اجتماعی علاوه بر اینکه به حفظ جان و مال افراد نظر دارد؛ در بر گیرنده تضمین حقوق اساسی، اجتماعی و اقتصادی افراد و جامعه به طور کلی نیز هست. امنیت اجتماعی همواره به عنوان یکی از اهداف اصلی هر جامعه و دولتها مطرح و تضمین آن، اساسی‌ترین وظیفه دولت نسبت به شهروندان است. در این راستا، این پژوهش با هدف ارائه الگوی سلسله مراتبی حمایت کیفری از آزادی‌های اساسی با رویکرد بهبود امنیت اجتماعی به انجام رسید. برای دستیابی به هدف پژوهش از روش آمیخته (کیفی- کمی) استفاده شد. در بخش کیفی جهت استخراج مولفه‌های الگوی پژوهش از تحلیل محتوا مصاحبه با ۲۱ خبره بهره گرفته شد. سپس، در بخش کمی برای دستیابی به الگو پژوهش و تکمیل ماتریس خود تعاملی نیز از نظرات ۱۴ برگزیده از خبرگان بخش کیفی که با تکمیل کردن ماتریس خود تعاملی آشنایی داشتند بهره گرفته شد. داده‌های بخش کمی پژوهش با روش مدلسازی ساختاری تفسیری (ISM) و به کمک نرم افزار ISM متلب مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند که در نهایت الگویی متشکل از ۱۰ سطح حاصل شد.

واژگان کلیدی

امنیت، امنیت اجتماعی، آزادی، آزادی‌های اساسی، حمایت کیفری.

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
Email: Mehdi9962@yahoo.com

۲. دانشیار، گروه حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
Email: N_Mehra@sbu.ac.ir

۳. دانشیار، گروه حقوق، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
Email: ali@mahdavi.fr

۴. استادیار، گروه حقوق، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
Email: gh.ghasemi@srbiau.ac.ir

پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۱۰/۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۷/۱۳

طرح مسأله

امنیت یکی از بدیهی‌ترین نیازهای بشر به شمار می‌رود، به طوری که با زوال آن آرامش خاطر از انسان سلب می‌شود و تشویش، اضطراب و ناآرامی جای آن را می‌گیرد.^۱ امنیت مقوله‌ای اساسی در هر نظام اجتماعی است و جوامع، اولویت نخست خود را به برقراری امنیت در جامعه اختصاص می‌دهند. امنیت پدیده‌ای چندبُعدی است و مطالعه میزان آن در یک جامعه از جهات مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی امکان‌پذیر است. الین می‌گوید: اگر مردم از فضایی به دلیل راحت نبودن و یا ترس استفاده نکنند، عرصه عمومی از بین رفته است.^۲ (افشانی و فرقانی، ۱۳۹۶: ۱۷۴). واژه امنیت از ریشه امن، ایمان و ایمنی گرفته شده که به معنی آرامش در برابر خوف و ترس و نگرانی و ناآرامی است. در کتب لغت به معانی اطمینان و آرامش در برابر خوف و ترس و نگرانی و ناآرامی است، ایمن شدن و در امان بودن و بی بی‌می (معین، ۱۳۶۳، ۳۵۲) ایمنی، آرامش و آسودگی (عمید، ۱۳۹۳، ۲۳۳) به کار برده شده است. به عبارت دیگر امنیت به فقدان خوف تفسیر، تعریف و ترجمه شده است. بیشتر نویسندگان معتقدند که امنیت، مفهومی مورد اختلاف است. امنیت در لغت به معنای مصون بودن از هرگونه تهدید و تعرض است. امنیت منحصر به امنیت جانی نیست، بلکه دارای مصادیق مختلفی است که می‌توان در این خصوص به امنیت فردی، جانی، مالی، اجتماعی و ملی اشاره کرد (آقایی و تیمورتاش، ۱۳۸۹: ۶). با توجه به اینکه امنیت اجتماعی تمامی زوایا و سطوح زندگی را تحت تأثیر قرار داده و به‌عنوان یکی از نیازهای اولیه باوجود شکل‌گیری در یک بستر عینی اساساً یک پدیده ذهنی بوده و بر اساس فرآیندهای خاص این حوزه شکل می‌گیرد. مقوله امنیت اجتماعی یکی از مسائل بسیار مهم در نظام قضایی همه کشورهای جهان است. امنیت اجتماعی که دارای شرایط ساختاری و الگوهای کنشی در جامعه است، به‌عنوان پدیده‌ای در مسیر تحولات اجتماعی بر سر راه توسعه، مورد توجه مردم و گروه‌های اجتماعی قرار می‌گیرد و در صورت تحقق نیافتن، مانع تحقق اهداف و تهدیدکننده ارزش‌ها و کمال مطلوب نظم اجتماعی و توسعه جامعه خواهد شد. از آنجاکه توسعه و بهبود حیات اجتماعی انسان دارای دو بُعد ارزشی - هنجاری و اثباتی - واقعی است، امنیت اجتماعی از بُعد ارزشی و هنجاری برای رسیدن به اهداف و کمال مطلوب جامعه و همچنین از بُعد اثباتی و واقعی در راستای مقدرات و محدودیت‌های موجود بر راه رسیدن به توسعه پایدار باید مورد مطالعه قرار

۱. فهیمه سمیرا پور، سادات سعادت یار و فاطمه بیطرف «رضایت از پلیس و بررسی نقش عوامل مرتبط با آن در میان دانشجویان دانشگاه‌های شهر اصفهان»، مجله انتظام اجتماعی، سال ششم پاییز، شماره ۳ (۱۳۹۳): ۶۲
 ۲. افشانی، سید علیرضا و فرقانی، مهناز، (۱۳۹۶)، تفاوت بین نسلی احساس امنیت اجتماعی در بین والدین و فرزندان ساکن شهر یزد، مجله تحلیل اجتماعی نظم و نابرابری اجتماعی، شماره ۷۱، ۱۹۹-۱۷۳.

گیرد (عبدالهی، ۱۳۹۸: ۱۱). از طرفی دیگر هرچند امنیت، از نیازهای اساسی و غیرقابل‌انکار به شمار می‌آید، لکن امروزه بسیاری از کشورهای جهان در قانون اساسی‌شان امنیت را هم‌شأن با آزادی، به‌عنوان یک حق برای شهروندان خویش ذکر کرده‌اند؛ در اصل ۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران صراحتاً برابری و هم‌شأن بودن امنیت و آزادی تصریح شده است. بحث آزادی از دیرباز مورد توجه بوده و اهمیت ذاتی آن به اشکال مختلف بیان شده است؛ اما بررسی تحولات سیاسی و اجتماعی حکایت از آن دارد که این اصل مهم بنا به دلایل متعددی از جمله ترجیحات اجتماعی یا منافع اقتصادی و حتی ضرورت‌های سیاسی نقض شده و در مقاطع طولانی‌ای از تاریخ بشری مشاهده‌گر نقض یا تحدید وسیع آزادی‌های مشروع افراد، جوامع یا گروه‌ها بوده است. در این میان، تمسک به ادله امنیتی، نقش و جایگاهی ویژه داشته است چراکه نزد برخی از نظریه‌پردازان یا سیاست‌مداران، تأمین، صیانت یا توسعه امنیت به‌عنوان دلیلی محکم برای تحدید یا حتی نفی آزادی دانسته شده است. وضوح این باور تا بدان جا است که واقع‌گرایان بر تقدم ذاتی امنیت بر سایر فضایل اجتماعی و از آن جمله آزادی، تأکید ورزیده و فضایل را تابعی از امنیت دانسته‌اند. در مقابل، آرمان‌گرایان براین اعتقادند که امکان نیل به امنیت واقعی و پایدار جز از طریق تأمین آزادی وجود ندارد (افتخاری، ۱۳۹۳: ۸۴). قانون‌گذار در کشور ما برای دستیابی و تحقق امنیت اجتماعی، در قوانین عادی این حقوق را حمایت و تضمین کرده است. یکی از جلوه‌های این حمایت، جرم‌انگاری نقض قوانین از سوی شهروندان و مأموران حکومتی است. بی‌شک حمایت از آزادی شهروندان ضامن رسیدن به مردم‌سالاری و الزامات ناشی از حکمرانی مطلوب است. به‌عبارت‌دیگر از آنجائی که شهروندان در مقابل دولت و قدرت مطلق آن سلاخی ندارند تا بتوانند از تعدی به حقوق خود در بخش آزادی‌های اساسی دفاع کنند؛ شایسته است، بهترین و مؤثرترین شیوه تضمین آزادی‌های اساسی وجود داشته باشد. به این دلیل می‌بایست با حمایت‌های کیفی از آزادی‌های اساسی و جرم‌انگاری مصداقی موجبات جلوگیری از تعدی به آزادی شهروندان فراهم آید و ضعف سلاح دفاعی شهروند در برابر تجاوز دولت با امکان دادخواهی از یک دادگستری شایسته جبران شود تا دولت را از اعمال تجاوزکارانه نسبت به حقوق شهروندان بازدارد. ویژگی که در سایر انواع ضمانت اجراها یا موجود نیست، یا با این کیفیت عمل نمی‌کند (رحمدل، ۱۳۹۲: ۷۶). براین اساس، دستیابی به امنیت اجتماعی مطلوب با اتکا به حمایت‌های کیفی از آزادی‌های اساسی موضوعی نظری با ارزشی کاربردی و اجرایی است که می‌تواند در شکل‌گیری نوع خاصی از نظام سیاسی و طراحی راهبردهای ملی تأثیرگذار باشد. به همین دلیل شایسته پژوهش و تأمل است. این مسئله تاکنون توجه پژوهشگران بسیاری را به خود جلب کرده است که در ادامه به مهم‌ترین آن‌ها پرداخته می‌شود. اسمعیل پور و شریعت باقری (۱۳۹۳) به کاوش در مفهوم و جایگاه حق آزادی و امنیت شخصی پرداختند. ایشان، گستره

مفهومی و حوزه شمول آزادی و حق امنیت شخصی را مورد بررسی قرار داده و به فراخور نیاز به آرای کمیته حقوق بشر و دیوان اروپایی حقوق بشر مستند کردند. آنان، در پایان پژوهش خود به حق آزادی و امنیت شخصی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز اشاراتی کردند. فقیهی (۱۳۹۵) با نگاه به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به نسبت سنجی مفهوم آزادی و اخلاق در حکومت دینی پرداخته است. وی با هدف تبیین نسبت میان آزادی و اخلاق در نظام اسلامی، در پی پاسخ به این پرسش است که در چارچوب تلقی اسلامی از آزادی، ارزش‌های اخلاقی از چه جایگاهی برخوردارند و چگونه اصول مربوط به آزادی فردی در کنار الزام دولت به حفظ ارزش‌های اخلاقی، قابل جمع است؟ وی معتقد است برداشت از آزادی در نظام اسلامی، وابسته به تعیین محتوای آن از طریق اصول و ارزش‌های اخلاقی است. حبیب نژاد و همکاران (۱۳۹۵) حمایت کیفری از حق‌های اساسی شهروندان در نظام حقوقی ایران را بررسی کرده‌اند. آنان با ذکر این مطلب که قانون‌گذار کیفری ایران در مسیر حمایت از حق‌های اساسی شیوه مطلوبی اتخاذ نکرده است، بیان می‌دارند که هنوز نقض برخی حق‌های اساسی فاقد تضمین‌های کیفری هستند. ایشان به دنبال بیان راهکارهای حمایت کیفری مطلوب از نقض حق‌های اساسی شهروندان و نیز نقد عملکرد قوانین کیفری موجود در این زمینه بودند. آنان راهکار مؤثر و صحیح در این زمینه را جرم‌انگاری نقض حق‌های اساسی شهروندان به‌طور عام از حیث مرتکبین و حق‌های اساسی و نیز تشدید مجازات در فرض ارتکاب جرم از سوی مأموران نهادهای حکومتی دانستند. ویژه و پویا (۱۳۹۷) اصول بنیادین اخلاق عمومی در تحدید حقوق و آزادی‌های فردی را بررسی کردند. بدین‌صورت که از میان تلاش‌ها و رویکردهای مختلف در تبیین مفهوم اخلاق عمومی، در پی تعریف و تبیین اصول بنیادینی برآمدند که اخلاق عمومی با تکیه بر آن‌ها می‌تواند واجد ظرفیت و صلاحیت تحدید حقوق و آزادی‌های فردی شود. نتایج پژوهش ایشان حاکی از این بود که در صورت تأمین اصول عمومیت، عقلانیت، خود آیینی، آزادی و تسامح می‌توان شکل‌گیری اخلاق عمومی را به‌صورت دموکراتیک، کارآمد و مؤثر تضمین کنند. دهقی و تهرانی (۱۳۹۸) حکومت‌های قانون اساسی گرا را مورد کاوش قرار دادند. آنان تلاش کردند که دسته‌بندی جدیدی از قوانین اساسی که با حقوق مدرن و قانون اساسی گرای سازگارتر است را ارائه دهند. یافته‌های این پژوهش دو دسته‌بندی مشتمل بر قانون اساسی لیبرال و قانون اساسی جمهوری گرا را پیشنهاد و تشریح می‌نماید. کبگانی و رستمی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «تضمینات اساسی حق‌ها و آزادی‌های بنیادین: واکاوی آیین دادخواهی اساسی در فرانسه و انگلستان» پس از بررسی ظرفیت‌های کلی دادرسی اساسی در حمایت از حق‌های اساسی و برشمردن مؤلفه‌های دادخواهی اساسی، با روش تطبیقی به شرح تحولات صورت پذیرفته در فرانسه (پس از بازنگری سال ۲۰۰۸ قانون اساسی) و انگلستان (پس از تصویب قانون حقوق بشر

در سال ۱۹۹۸) می‌پردازند. بررسی پژوهش‌های مذکور نشان داد که نویسندگان هر یک به صورت محدود و موردی به جایگاه آزادی، مفهوم آزادی، محتوای آزادی، جنبه حمایتی از آزادی و مطالعه تطبیقی تضمینات اساسی از حق‌ها و آزادی‌های بنیادین پرداخته‌اند. ایشان با استفاده از منابع نظری در اختیارشان و با تکیه بر نظرات خود به ارائه پیشنهادهایی نیز اقدام کرده‌اند. در این میان شاید نزدیک‌ترین مقاله به پژوهش حاضر، مقاله حبیب نژاد و همکاران (۱۳۹۵) بود که حمایت کیفری از حق‌های اساسی شهروندان در نظام حقوقی ایران را مورد مطالعه قرار دادند. در آن پژوهش با بررسی قوانین موجود به این نکته اشاره کرده است که مقررات فعلی به شایستگی نمی‌تواند تضمین گر و حامی حق‌های اساسی باشد. پژوهش موصوف هیچ‌الگو و راهبرد هدفمندی را برای تضمین آن حق‌ها ارائه نکرده است؛ بلکه صرفاً به بیان ضرورت جرم‌انگاری و در مواردی تشدید مجازات متعرضان به آزادی‌ها بسنده شده است؛ اما پژوهش حاضر ضمن تکیه بر ضرورت حمایت کیفری از آزادی‌های اساسی در تلاش است با بهره‌گیری از روشی علمی و قابل‌اتکا سازوکارها، سطح مواجهه، شدت و ضعف مصادیقی که می‌بایست برای تضمین آزادی‌های اساسی مورد توجه قانون‌گذار قرار گیرد را تبیین می‌کند. چراکه تاکنون به دلیل بدیهی بودن اعمال آزادی‌های اساسی به زمینه‌ها و بسترها، شرایط مداخله‌گر، پیامدها و راهبردهایی که آزادی‌ها اساسی را تضمین می‌کند توجه حمایتی نشده است. در این پژوهش با رویکرد حمایت کیفری از مبانی مذکور در جهت تضمین آزادی‌های اساسی به منظور بهبود امنیت اجتماعی کوشیده شده است. در حالی که در پژوهش‌هایی که سابقاً انجام گرفته‌اند صرفاً به صورت نظری و با بهره‌گیری از روش کتابخانه‌ای و بعضاً با رویکرد تطبیقی انجام شده‌اند. نکته قابل‌توجه اینکه پژوهش حاضر از منظر پیمایشی به مسئله نگریسته است. پژوهش پیمایشی حاضر برای بررسی مشکلات بر سر راه حمایت کیفری از آزادی‌های اساسی، شرایط واقعی و بومی ایران را در نظر می‌گیرد. همچنین در این مقاله، علاوه بر بهره‌گیری از مبانی نظری کتابخانه‌ای از ابزارهای روش پیمایشی همانند مصاحبه که در گردآوری اطلاعات از اعتبار مناسبی برخوردار هستند، استفاده شده است. ذکر این نکته نیز ضروری است که روش پیمایشی امکان آزمودن متغیرهای مختلف (اطلاعات جمعیت شناختی، سبک‌شناختی، نگرش‌ها، انگیزه‌ها، مقاصد و غیره) را به محقق می‌دهد. در این پژوهش پس از تحلیل داده‌ها، الگوی سلسله‌مراتبی‌ای به دست می‌آید که نشان می‌دهد چگونه، در چه سطحی و به چه اندازه با شرایط علی، مقوله‌های محوری، شرایط زمینه‌ای، بسترهای حاکم، پیامدها و راهبردهایی که می‌بایست مورد عمل قرار گیرند، مواجه شد. مقاله حاضر علاوه بر اینکه حمایت کیفری از آزادی‌های اساسی را به صورت ویژه مورد بررسی قرار داده به این نکته مهم هم توجه کرده که برآیند تضمین آزادی‌های اساسی، امنیت اجتماعی پایدار و توسعه همه‌جانبه اجتماع است که از این منظر دارای نوآوری است. از سوی دیگر

پژوهش‌های پیشین صرفاً برآیند نظر و تفکر نویسندگان آن است. درحالی‌که پژوهش پیش رو با اتکا به خرد جمعی و بر پایه‌ای از نظرات جامعه خبرگان قابل توجهی استوار است که نویسندگان پس از تحلیل داده‌های حاصل شده به کیفیتی که در ادامه ذکر می‌گردد نسبت به ارائه الگوی سلسله مراتبی حمایت کیفری از آزادی‌های اساسی با رویکرد بهبود امنیت اجتماعی اقدام می‌کنند.

۱- مبانی نظری پژوهش

۱-۱- امنیت اجتماعی

در تعریفی امنیت اجتماعی به توانایی گروه‌های مختلف صنفی، قومی و محلی و غیره در حفظ هستی و هویت خود اطلاق شده است (بوزان و همکاران^۱، ۱۹۹۸: ۸۴). براین مبنا امنیت اجتماعی تمامی زوایا و سطوح زندگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. آنتونی گیدنز^۲ امنیت اجتماعی را شامل تمهیداتی جهت حفظ زندگی اعضای یک جامعه و سپس حفظ راه و روش زندگی آنان می‌داند. درواقع، امنیت اجتماعی عبارت است از رهایی از اضطراب و تعقیب ایمنی. امنیت اجتماعی در این مفهوم دارای ابعاد سیاسی و حکومتی بوده و به شدت آمیخته با مقوله اساسی قدرت است و در مطالعات و بررسی‌های راهبردی در ذیل امنیت ملی مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد. امنیت اجتماعی را از حیث فراگیری می‌توان امنیت عمومی نیز قلمداد کرد که حوزه‌های امنیت جمعی و گروهی را می‌تواند پوشش دهد (اکبری و همکاران، ۱۳۹۴: ۷۱). در میان نظریه‌پردازان امور امنیتی، ویور^۳ امنیت اجتماعی را توانمندی جامعه برای مراقبت از ویژگی‌های بنیادین خود در شرایط تغییر و تهدیدات عینی و احتمالی تعریف کرده و بر ارتباط نزدیک میان هویت جامعه و امنیت تأکید داشته و خاطرنشان می‌کند جامعه امنیت هویتی‌اش را جست‌وجو می‌کند؛ بنابراین، امنیت اجتماعی، آرامش و آسودگی خاطری است که هر جامعه موظف است برای اعضای خود فراهم آورد. بوزان معتقد است زمانی امنیت اجتماعی مطرح خواهد بود که نیروی بالقوه یا بالفعلی به عنوان تهدیدی برای هویت افراد جامعه وجود داشته باشد. امنیت اجتماعی از نظر بوزان به حفظ مجموعه ویژگی‌هایی اشاره دارد که بر مبنای آن افراد خودشان را به عنوان عضو یک گروه اجتماعی قلمداد می‌کنند یا به بیان دیگر، معطوف به جنبه‌هایی از زندگی فرد می‌شود که هویت گروهی او را سامان می‌بخشد (هانتز^۴، ۲۰۱۹: ۲۲). کارل دلبیو دویچ^۵ در تعریف امنیت اجتماعی می‌گوید: منظور از امنیت اجتماعی، گروه همبسته‌ای از مردم در یک

-
1. Buzan
 2. Anthony Giddens
 3. Weaver
 4. Hunter
 5. Karl W. Deutsh

سرزمین (قلمرو) در امتداد زمانی است که دارای احساس جمعی بسط یافته و نهادی شده، آداب و رسوم فراگیر، قدرتمند و به اندازه کافی قابل اطمینان بوده و حیات اجتماعی را در زمانی طولانی بیمه می کند و تغییرات آرام توأم با انتظارات قابل پیش بینی را در میان مردمش تجربه می کند. وی در تعریف کاربرد خویش، امنیت اجتماعی را برابر با سطح توسعه انسانی و سطح نابرابری اقتصادی در نظر می گیرد (آلکیر، ۲۰۱۵: ۱۹۱). مولر در تعریف امنیت اجتماعی می گوید: «توانایی یک جامعه برای دوام ویژگی های اساسی آن در فرایند تغییرات محیطی و در برابر تهدیدات واقعی یا احتمالی و به طور خاص امنیت اجتماعی، توانایی محافظت و شرایط قابل پذیرش برای تکامل الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، پیوندهای اجتماعی، هویت ملی، مذهبی (مذاهب) و رسوم اجتماعی می باشد» (صالحی امیری و افشاری نادری، ۱۳۹۸: ۵۲). بر پایه تعاریف مذکور که مبنا و شالوده آن ها حفظ موجودیت جامعه در بستر تغییرات ناگزیر است؛ باید اذعان داشت که استقرار و بهبود امنیت اجتماعی نیازمند برخورداری از طرح و برنامه ای هدفمند است.

۱-۲- حمایت کیفری

بی شک کیفر به لحاظ اخلاقی فی نفسه امری بد، شر و مذموم است. بدون داشتن توجیه نظری و عملی هیچ نحله فکری و عقل متعارفی کیفر را تأیید نمی کند. حمایت کیفری که متضمن تنبیه اخلاقی مرتکب و پیشگیری از موارد نقض احتمالی بعدی، است در صورت های مختلف قابل اعمال است. حمایت های کیفری از آنجایی که باعث تحمیل عمدی، آگاهانه و نظام مند رنج، درد و محرومیت از حقوق طبیعی است؛ به نوبه خود نزد عقل و وجدان قابل پذیرش نبوده و برخلاف حق مالکیت، حیات، حیثیت و حق آزادی انسان است؛ لذا اعمال آن هرچند در خفیف ترین شکل آن با همه یا یکی از حقوق مسلم تعارض دارد؛ بنابراین اعمال آن باید قابل توجیه باشد (صفاری، ۱۳۸۴: ۱۳۰). با اعتقاد به این مهم که انسان دارای کرامت است و یکی از جلوه های کرامت انسان، آزاد بودن است؛ باید اذعان داشت که آزادی های شهروندان، به ویژه آزادی های اساسی که بعضاً در قوانین اساسی کشورها بدان تصریح می شود؛ لزوم حمایت از آن ها در برابر دولت که انواع ابزار نقض و قدرت و توانایی این اعمال را دارد، بسیار ضروری است. در روابط شهروندان با یکدیگر و شهروندان با حکومت، آزادی اصلی مهم تلقی می شود. نتیجه مهمی که از اصل آزادی گرفته می شود، این است که در مقام نظم بخشیدن به رابطه دولت و مردم و تفسیر و اجرای قوانین، هر جا اختلاف و تردیدی در حدود تکالیف اشخاص یا اختیار مقام های حکومت ایجاد شود باید آن را به سود اصل آزادی تعبیر کرد (سلیمانی پورلک و همکاران، ۱۳۹۹: ۴۷). ارج و منزلت اصل آزادی مستلزم این است که آزادی های شهروندان در

برابر قدر حاکمه حمایت شود؛ زیرا دولت به معنای اعم خود با در اختیار داشتن شدیدترین ابزار نقض، همیشه در مظان این اتهام قرار دارد که به آزادی‌ها و حقوق شهروندان تعرض می‌کند. از این رو این عدم توازن در قدرت و امکانات، مقدمه واجب حمایتی شایسته از حقوق و آزادی‌های شهروندان است. این حمایت تا پشتوانه و ضمانت اجرایی قوی نداشته باشد و صرفاً در حد خطابه و شعار باشد، راه به جایی نمی‌برد. ضمانت اجرای مؤثر ضمانت اجرایی است که در موارد لزوم و قاطعانه اعمال شود و از حریم آزادی شهروندان مجدانه حمایت کند (کیان پور و همکاران، ۱۳۹۷: ۵۴). در مجموع، حقوق کیفری وفادار به عدالت و آزادی باید از حوزه‌های عمومی و خصوصی به گونه‌ای هدفمند حمایت کند و پشتیبانی هم‌زمان و متوازن از خودمختاری عمومی و خصوصی شهروندان را از رسالت‌های اصلی خود قلمداد کند. ساختار عدالت کیفری می‌بایست با پذیرش جلوه‌های گوناگون حریم خصوصی همچون ارزش‌های شایسته تضمین، در برابر تعدی به آن‌ها، به ویژه زمانی که تعدی از سوی قوای عمومی حاکم صورت می‌گیرد، واکنش درخور نشان دهد. از نقض حریم خصوصی به بهانه تضمین امنیت اجتماعی و دیگر ارزش‌ها و مصالح جلوگیری کند و در موارد تراحم حق بر خلوت با دیگر ارزش‌ها و مصالح اجتماعی از منطبق جمع میان ارزش‌ها پیروی کند (احمدی و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۹). مع الوصف توجیه کیفر به منظور تضمین آزادی سبب خواهد شد تا امنیتی اجتماعی که متکی بر ساختاری قابل اطمینان و مردم محور است؛ شکل بگیرد.

۱-۳- آزادی‌های اساسی

آزادی بزرگ‌ترین و مهم‌ترین هدف بشر است. برای فهمیدن معنای آزادی باید بدانیم که آن، آزادی از چه یا آزادی برای چه است. آزادی معنای عاطفی نسبتاً ثابتی دارد. واژه آزادی به مفاهیم مختلفی اشاره دارد که شامل مفاهیم پایه‌ای خودمختاری، حکومت بر خود و استقلال از یک‌سو و توانایی کلی در انجام کارها، داشتن انتخاب‌های مختلف و توانایی کسب هدف‌ها از سوی دیگر است. هنرمندان، دانشمندان و فیلسوفان پیوسته و به انواع گوناگون به ستایش آزادی و حق بشر برای بهره‌وری از آن پرداخته‌اند. همواره در میان متفکران بحث و مناقشه در خصوص و اهمیت آزادی بسیار داغ بوده است. بسیاری از نویسندگان و نظریه پردازان سیاسی و فیلسوفان سیاسی بر اهمیت و ضرورت اجتناب‌ناپذیر و غیرقابل انکار آزادی تأکید و تصریح دارند؛ برخی از نویسندگان بر این عقیده‌اند که به هر حال می‌دانیم آزادی چیست، اما آنچه انسان (بنی بشر به طور عام) به آن نیاز دارد و برایش ضرورت اولی و تام و تمام دارد نه آزادی بلکه نظم، امنیت، رهبری و روشنگری است. نخستین توجیه و دفاع «نظری و فلسفی» از این دیدگاه را افلاطون در کتاب جمهوری ارائه کرد؛ از نظر افلاطون، آزادی سیاسی هدف و غایت نظام‌های دموکراسی بود که بی‌تردید دیر

یا زود به حذف و از میان برداشته شدن کنترل و نظارت بر فعالیت‌های افراد یا کل جمعیت منجر می‌شد. این امر به حاکمیت عوام‌فریبان و دروغ‌گویان و ریاکاران می‌انجامد که با ظرافت و آرامی راه ستم‌گری و استبداد را در پیش می‌گیرند و قدرت مطلقه و خودکامه را بر اتباع خود تحمیل می‌کنند. (جونز، ۱۳۹۴: ۱۱۵). به همین مناسبت است که می‌بایست از آزادی حمایت شود تا اسب سرکش قدرت با لجام قانون محدود و رابطه‌ی افراد با دولت مشخص گردد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اصول متعددی را به حقوق و آزادی‌های فردی، اجتماعی، قضایی و امنیتی مردم اختصاص داده است؛ اما از نظر تضمینات کیفری در مورد آن‌ها به کفایت نتایج حاصل از این پژوهش نپرداخته است. براین پایه است که در پژوهش حاضر تلاش شده است به الگوی سلسله‌مراتبی حمایت از آزادی به منظور بهبود امنیت اجتماعی دست‌یابیم.

۲- روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش به دنبال ارائه الگوی سلسله‌مراتبی حمایت‌گیری از آزادی‌های اساسی با رویکرد بهبود امنیت اجتماعی با استفاده از یک روش پژوهش آمیخته (کیفی - کمی) است. این پژوهش از جنبه هدف کاربردی محسوب می‌شود؛ زیرا بیشترین کاربرد آن برای مدیران و سیاست‌گذاران در حوزه امنیت اجتماعی است. در بخش کیفی (شناسایی متغیرهای الگوی پژوهش) به منظور درک، شناخت و استخراج متغیرها از مصاحبه نیمه ساختاریافته و کدگذاری باز تا رسیدن به اشباع متغیرها استفاده می‌شود. به این ترتیب، مشارکت‌کنندگان بخش کیفی پژوهش حاضر متشکل از هشت نفر از قضات و وکلای دارای مدرک دکتری با سابقه بیش از ۱۵ سال، هشت نفر از استادان دانشگاه دارای رتبه علمی دانشیار و بالاتر در گروه حقوق، دو نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی دارای مدرک دکتری که در حوزه امنیت اجتماعی دخیل و صاحب نظر هستند و سه نفر از فعالین عرصه‌های اجتماعی دارای مدرک کارشناسی ارشد و بالاتر با سابقه بیش از ده سال فعالیت در عرصه‌های اجتماعی، با ملاک کفایت تئوریک هستند که کار مصاحبه میدانی نیمه ساختاریافته با آن‌ها انجام گردید. انتخاب مصاحبه نیمه ساختاریافته به این دلیل بود که علاوه بر تبادل نظرها، می‌توان بحث درباره موضوع را در راستای رسیدن به اهداف تحقیق هدایت نمود. همچنین در طول انجام مصاحبه، امکان مشاهده احساسات، باورها و اعتقادات مصاحبه‌شوندگان وجود دارد (حسینی و همکاران، ۱۳۹۷: ۸۳). ملاک اندازه نمونه، کفایت تئوریک است؛ به این معنا که در بررسی مصاحبه‌های انجام‌شده با نخبگان، شاخص یا متغیر جدیدی شناسایی نشود. بنابراین ملاک کفایت نمونه، اشباع نظری است. همان‌گونه که عرض شد در این مطالعه با ۲۱ خبره مصاحبه شد؛ که از مصاحبه ۱۵ به بعد، تکرار در اطلاعات دریافتی مشاهده گردید و از مصاحبه ۱۸ به بعد، داده‌ها کاملاً تکراری و به اشباع نظری رسیده بود؛ اشباع نظری حاصل در این پژوهش زمانی حاصل می‌شود که داده‌های اضافی، کمکی به

تکمیل و مشخص کردن ابعاد تحقیق نمی‌کردند (دانایی‌فرد و مظفری، ۱۳۹۷: ۳۱)؛ اما برای اطمینان بیشتر، روند مصاحبه‌ها تا مصاحبه بیست و یکم ادامه یافت. حین انجام مصاحبه، شرح نظرات مصاحبه‌شوندگان یادداشت و نظرات آنان به همراه مشاهدات پژوهشگر و برداشت حاصله، به متن تبدیل شد. در این پژوهش برای بررسی روایی پژوهش چهار آزمون اصلی تأیید پذیری، باورپذیری، انتقال‌پذیری و اعتمادپذیری به شرح جدول شماره ۱ انجام شد.

جدول شماره ۱: اقدامات صورت گرفته برای بررسی کیفیت تحقیق

هدف	اقدامات انجام شده
تأیید پذیری	تأیید پذیری به معنای پرهیز از سوگیری است، اما در پژوهش‌های کمی به معنی قدرت تحلیل و دقت داده‌ها و میزان تأیید آن‌ها است. تأیید پذیری بیانگر تلاش پژوهشگر در جهت احراز شاخص عینیت در پژوهش است. به منظور دستیابی به تأیید پذیری پژوهش قبل از شروع فرایند مصاحبه از ابزارهایی همچون آموزش مفاهیم تحقیق به مصاحبه‌شوندگان و کسب بازخورد از مصاحبه‌شوندگان پس از ارائه نتایج تحقیق بهره برده شد.
باورپذیری	باورپذیری به معنی میزان و درجه اعتماد به واقعی بودن یافته‌ها برای شرکت‌کنندگان در پژوهش است؛ به این منظور در پژوهش حاضر از ابزارهایی همچون چارچوب نظری اولیه به‌عنوان مبنای بحث با خبرگان، اجرای چندین مصاحبه با خبرگان در خارج از حوزه مربوطه و کسب نظر تعدادی از خبرگان پس از استخراج نتایج، بهره برده شده است.
انتقال‌پذیری	انتقال‌پذیری به معنی قابلیت تعمیم پژوهش به سایر حوزه‌ها و زمینه‌های مشابه است. استفاده از رویه‌های ویژه کدگذاری و تحلیل نمادها، نشانه‌ها و سایر موارد در مرحله تحلیل داده و نیز ارائه جزئیات بیشتر در رابطه با شرکت‌کنندگان و خصوصیات محیط، نظیر اطلاعات جمعیت شناختی (بیان جزئیات خصوصیات نمونه و عرصه تحقیق) از جمله اقداماتی بود که در راستای افزایش تناسب داده‌ها با محیط تحت مطالعه به‌عمل آمده است.
اعتمادپذیری	در این مطالعه جهت اطمینان از قابلیت اعتبار که مشابه روایی درونی در تحقیق کمی است؛ از تکنیک‌های تثلیث ^۱ (منابع داده‌ها، محقق، نظریه و روش)، بازبینی توسط مشارکت‌کنندگان در مصاحبه، بازبینی توسط همکاران و خود بازبینی محقق استفاده شد.

منبع: یافته‌های تحقیق

در پژوهش حاضر، برای محاسبه پایایی مصاحبه‌ها از روش توافق درون موضوعی (پایایی دو کدگذار) استفاده شد. برای این منظور، از یک مدرس دانشگاه که بر موضوع پژوهش اشراف داشت، درخواست شد به‌عنوان همکار پژوهش (کدگذار) در این پژوهش مشارکت کند. سپس محقق به همراه همکار پژوهش، سه مصاحبه را کدگذاری و درصد توافق درون موضوعی که به‌عنوان شاخص پایایی پژوهش به کار می‌رود را با استفاده از فرمول مربوطه، محاسبه کرد. نحوه محاسبه درصد توافق درون گروهی به این صورت است که تعداد توافقات به‌دست‌آمده را در عدد

دو ضرب و حاصل را بر تعداد کل کدها تقسیم می‌نمایند سپس کسر به‌دست‌آمده را در ۱۰۰ ضرب می‌نمایند. به‌منظور استخراج میزان و تعداد توافقات، پرسشنامه‌ای حاوی عناوین مضامین به همراه نمونه‌های کدگذاری باز در اختیار مشارکت‌کنندگان تحقیق قرار گرفت و میزان توافقات از طریق پرسش‌های گزینه‌ای تطابق زیاد، متوسط و کم، مورد سؤال واقع شد. چنانچه مشارکت‌کننده گزینه کم یا متوسط را انتخاب نماید به معنای عدم توافق و در صورتی که گزینه زیاد را مشخص نماید، به معنای توافق است (واعظی و همکاران، ۱۳۹۷: ۶۴). نتیجه محاسبه درصد توافق درون موضوعی تحقیق حاضر در جدول (۲) نشان داده‌شده است.

جدول شماره ۲: محاسبه پایایی بین دو کدگذار

ردیف	کد مصاحبه	تعداد کدها	تعداد توافقات	پایایی دو کدگذار (درصد)
۱	M1	۲۱	۹	۸۶٪
۲	M2	۲۶	۱۱	۸۵٪
۳	M3	۲۲	۸	۷۳٪
	کل	۶۹	۲۸	۸۱٪

منبع: یافته‌های تحقیق

همان‌طور که در جدول (۲) مشاهده می‌شود، پایایی بین دو کدگذار برای مصاحبه‌های انجام‌گرفته در پژوهش برابر ۸۱٪ است؛ لذا می‌توان ادعا کرد که میزان پایایی تحلیل مصاحبه کنونی مناسب است. اندازه معمول ضریب پایایی موردپذیرش برای اکثر تحقیقات بین ۸۰ تا ۹۰ درصد است و تحقیقاتی که ضریب پایایی آن‌ها کمتر از ۷۰ درصد باشد، برای تفسیر دستاوردهای خود و تکرار تحقیق با مشکل مواجه خواهند شد (رایف، ۱۳۹۸: ۵۳).

در بخش کمی برای دستیابی به الگو پژوهش و تکمیل ماتریس خود تعاملی نیز از نظرات ۱۴ تن از خبرگان بخش کیفی که با تکمیل کردن ماتریس خود تعاملی آشنایی داشتند بهره گرفته شد. در ادامه، مدل‌سازی این متغیرها به کمک روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری (ISM) انجام گرفت. مدل‌سازی ساختاری تفسیری روشی برای طراحی الگوی روابط پیچیده و چندگانه میان متغیرهای یک پدیده است. این روش نوعی تحلیل ساختاری است که بر اساس پارادایم تفسیری بنا نهاده شده است. هدف این روش نیز شناسایی روابط بین متغیرهای زیربنایی یک پدیده چندوجهی و پیچیده است. برای بررسی اثر هر یک از متغیرها بر روی متغیرهای دیگر؛ این طراحی رویکردی فراگیر برای سنجش ارتباط است. بعلاوه این طراحی برای توسعه چارچوب مدل به کار می‌رود تا اهداف کلی تحقیق امکان‌پذیر شود. مدل ساختار تفسیری قادر است ارتباط بین شاخص‌ها که به‌صورت تکی یا گروهی به یکدیگر وابسته‌اند را تعیین نماید. روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری با تجزیه مقوله‌ها در چند سطح مختلف به تحلیل ارتباط بین شاخص‌ها می‌پردازد. روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری می‌تواند برای تجزیه و تحلیل ارتباط بین

ویژگی‌های چند متغیر برای یک مسئله مورد استفاده قرار گیرد. مدل‌سازی ساختاری تفسیری مشتمل بر چهار گام اصلی است که عبارت‌اند از: تشکیل ماتریس خود تعاملی ساختاری، تشکیل ماتریس سازگاری اولیه، تشکیل ماتریس وابستگی و تعیین سطح اهداف (نادعلی، ۱۳۹۴). در این تحقیق متغیرهای مورد نیاز از بطن مصاحبه‌ها استخراج شد.

۳- یافته‌های پژوهش

با توجه به اینکه هدف تحقیق حاضر توصیف پدیده به مشروح‌ترین شکل ممکن در قالب یک مدل بومی است از معیاری به نام اشباع داده یا اشباع نظری برای تعیین نقطه پایان بخش کیفی استفاده گردید، به عبارت بهتر فرایند پژوهش در این وضعیت تا جای ادامه یافت که اگر داده جدیدی به پژوهش وارد می‌شد اطلاعات موجود در موضوع پژوهش را تغییر نمی‌داد. براین پایه بعد از رسیدن به نقطه اشباع در نظرات ارائه شده توسط مصاحبه‌شوندگان، داده‌های اولیه تحلیل و کدهای اولیه ایجاد گردید؛ در پایان این قسمت تعداد ۲۳۸ متغیر به دست آمد؛ لکن با توجه به تعداد زیاد کدهای تولیدشده، به منظور خلاصه‌سازی آن‌ها، کدهای اولیه به کدهای ثانویه تبدیل شدند؛ اساس و پایه این اقدام در قرابت مفهوم و معنای کدهای اولیه نسبت به یکدیگر بود. در نهایت در قسمت کدگذاری ثانویه، تلاش شد تا چند مفهوم تبدیل به یک مقوله شوند. به عنوان نمونه در جدول شماره ۳ به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌شود.

جدول شماره ۳: نمونه مفاهیم و مقوله‌های اصلی به دست آمده از داده‌های کیفی

متغیر	کدهای مفهومی
آزادی در انتخابات	رشد انتخابات آزاد
	نظام سیاسی دموکراتیک
	انتخاب آگاهانه و آزاد مردم
	فضای باز سیاسی
محوریت تخصص و شایستگی	پذیرش استخدام افراد بر اساس تخصص و نه عقیده
	همگرایی میان نخبگان
	شایسته‌سالاری در همه امور
	بهره‌مندی از نظرات احزاب، نخبگان و روشنفکران
بهبود معیشت و اقتصاد جامعه	حمایت و تقویت طبقه متوسط جامعه
	بهبود وضعیت معیشت مردم
	اقتصاد آزاد و غیر حکومتی
	شرایط اقتصادی آزاد
	رفاه اجتماعی
	توسعه اقتصادی

از تجمیع متغیرها به مفاهیم و از تجمیع مفاهیم به مقوله نهایتاً تعداد ۲۰ مقوله استخراج گردید. مقوله‌های به دست آمده جهت تأیید در اختیار خبرگان قرار داده شدند و از آن‌ها خواسته شد بر اساس طیف ۱ تا ۵ به شاخص‌ها امتیاز دهند. بعد از پاسخگویی خبرگان به پرسشنامه، میانگین امتیازات محاسبه شد؛ نتیجه میانگیری امتیازات نشان داد که همگی شاخص‌ها امتیاز بالای ۳ را کسب کرده‌اند. در نتیجه همه مقوله‌های استخراج شده مورد تأیید خبرگان قرار گرفته‌اند. نتایج در جدول شماره ۴ آورده شده است.

جدول شماره ۴: شاخص‌های حمایت کیفری از آزادی‌های اساسی با رویکرد بهبود امنیت اجتماعی

کد	میانگین امتیازات	شاخص
C1	۴.۰۰۰	روزآمد کردن قوانین و رویه‌ها همسو با آزادی
C2	۳.۷۳۳	نظارت عمومی و پشتیبانی از آزادی‌های اساسی
C3	۴.۱۳۳	بدون هزینه بودن مطالبه‌گری از مسئولین
C4	۳.۸۰۰	نظام سیاسی و انتخابات آزاد
C5	۴.۰۶۷	فرهنگ عمومی پذیرش آزادی‌های اساسی
C6	۳.۵۳۳	دستگاه قضائی بی‌طرف، مستقل و غیرسیاسی
C7	۳.۶۰۰	قوای نظامی مستقل و غیرسیاسی
C8	۳.۶۰۰	شفافیت و چرخش آزاد اطلاعات
C9	۴.۳۳۳	رفع هرگونه تبعیض
C10	۳.۷۳۳	پاسخگو کردن ارکان حاکمیت
C11	۳.۹۳۳	بهبود وضعیت معیشت مردم و اقتصاد جامعه
C12	۳.۶۰۰	جامعه غیرامنیتی
C13	۳.۵۳۳	اعمال مصونیت و حمایت از افراد و نهادهای حامی آزادی
C14	۴.۱۳۳	آزادی عقیده و بیان
C15	۴.۰۶۷	منع تفتیش عقاید
C16	۳.۷۳۳	حمایت از بزه دیدگان جرائم ناقض آزادی‌ها
C17	۳.۷۳۳	تضمین حق نقد و اعتراض
C18	۳.۸۰۰	استقلال و آزادی مطبوعات و رسانه‌ها
C19	۳.۷۳۳	مشارکت مستقیم مردم در اعمال قدرت
C20	۴.۰۰۰	تعامل جامعه با حاکمیت

حال برای تعیین سطح مقوله‌ها در الگوی سلسله مراتبی و میزان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری آن‌ها از روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری (ISM) و با کمک نرم‌افزار ISM متلب استفاده می‌شود. در گام اول ماتریس خود تعاملی ساختاری پژوهش با استفاده از نظر پاسخ‌دهندگان که خبرگان پژوهش هستند تشکیل می‌شود. برای تشکیل ماتریس خود تعاملی ساختاری، خبرگان

مقوله‌ها را به صورت زوجی با یکدیگر در نظر گرفته و بر اساس طیف V: عامل سطر i باعث محقق شدن عامل ستون j می‌شود. A: عامل ستون j باعث محقق شدن عامل سطر i می‌شود. X: هر دو عامل سطر و ستون باعث محقق شدن یکدیگر می‌شوند (عامل i و j رابطه دوطرفه دارند) و O: بین عامل سطر و ستون هیچ ارتباطی وجود ندارد به مقایسات زوجی پاسخ می‌دهند. ماتریس خود تعاملی در جدول شماره ۵ آورده شده است.

جدول شماره ۵: ماتریس خود تعاملی ساختاری

	C20	C19	C18	C17	C16	C15	C14	C13	C12	C11	C10	C9	C8	C7	C6	C5	C4	C3	C2	C1
C1	V	V	V	V	O	V	V	V	V	V	O	V	V	V	V	V	V	A	X	
C2	V	V	V	O	O	V	O	O	V	V	O	V	V	V	V	O	V	A	X	
C3	V	V	V	V	V	V	O	V	V	O	V	V	V	V	V	O	V			
C4	V	V	O	O	O	X	V	X	O	V	X	X	X	X	X	X				
C5	V	O	O	O	O	O	V	V	O	V	V	V	V							
C6	A	O	O	O	O	O	V	V	V	V	A	X	V	O	V					
C7	V	O	O	O	O	V	V	V	O	V	O	A	V							
C8	A	O	O	O	O	O	V	V	O	V	A	A	V							
C9	A	O	O	O	O	A	V	V	V	V	A									
C10	V	O	O	O	O	O	V	V	O	V	A									
C11	A	O	O	O	V	V	V	V	O											
C12	A	A	A	O	O	O	O	O												
C13	A	A	A	A	X	A	A													
C14	A	O	A	O	V	O														
C15	A	A	A	A	V	V														
C16	A	O	A	A																
C17	O	O	X																	
C18	V	A																		
C19	V																			
C20																				

گام دوم تبدیل ماتریس خود تعاملی ساختاری منعکس در جدول شماره ۵ به یک ماتریس دو ارزشی صفر و یک است که ماتریس دستیابی اولیه نامیده می‌شود. برای استخراج ماتریس دریافتی در هر سطر ماتریس خود تعاملی به جای علائم X و V از عدد یک و به جای علائم A و O از عدد صفر قرار داده می‌شود. در جدول شماره ۶ ماتریس دستیابی اولیه آمده است.

جدول شماره ۶: ماتریس دستیابی اولیه

	C1	C2	C3	C4	C5	C6	C7	C8	C9	C10	C11	C12	C13	C14	C15	C16	C17	C18	C19	C20
C1	0	1	0	1	1	1	1	1	1	0	1	1	1	1	0	1	1	1	1	1
C2	1	0	0	1	0	1	1	1	1	0	1	1	0	0	1	0	0	1	1	1
C3	1	1	0	1	0	1	1	1	1	0	1	1	1	0	1	1	1	1	1	1
C4	0	0	0	0	1	1	1	1	1	1	1	0	1	1	1	0	0	0	1	1
C5	0	0	0	1	0	1	1	1	1	1	1	0	1	1	0	0	0	0	0	1
C6	0	0	0	1	0	0	0	1	1	0	1	1	1	1	0	0	0	0	0	0
C7	0	0	0	1	0	0	0	1	0	0	1	0	1	1	1	0	0	0	0	1
C8	0	0	0	1	0	0	0	0	0	0	1	0	1	1	0	0	0	0	0	0
C9	0	0	0	1	0	1	1	1	0	0	1	1	1	1	0	0	0	0	0	0
C10	0	0	0	1	0	1	0	1	1	0	1	0	1	1	0	0	0	0	0	1
C11	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	1	1	1	1	0	0	0	0
C12	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
C13	0	0	0	1	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	1	0	0	0	0	0
C14	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	1	0	0	1	0	0	0	0
C15	0	0	0	1	0	0	0	0	1	0	0	0	1	0	0	1	1	0	0	0
C16	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	1	0	0	0	0	0	0	0
C17	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	1	0	0	1	0	1	0	0
C18	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	1	1	1	1	1	1	0	0	1
C19	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	1	1	0	1	0	0	1	0	1
C20	0	0	0	0	0	1	0	1	1	0	1	1	1	1	1	1	0	0	0	0

مراحل فوق توسط محقق انجام شدند؛ اما انجام مراحل بعدی با استفاده از نرم‌افزار ISM متلب صورت می‌پذیرد. در گام سوم که با استفاده از نرم‌افزار انجام می‌پذیرد سازگاری درونی ماتریس دستیابی اولیه بررسی می‌شود. بدین منظور روابط ثانویه ماتریس دستیابی اولیه کنترل می‌شوند. به‌طور مثال در ماتریس دستیابی اولیه اگر متغیر ۱ منجر به متغیر ۲ شود و متغیر ۲ منجر به متغیر ۳ شود، باید متغیر ۱ نیز منجر به متغیر ۳ شود. به‌بیان دیگر بر اساس روابط ثانویه باید اثرات مستقیم لحاظ شده باشد؛ اما اگر در عمل این اتفاق نیفتاده باشد باید جدول تصحیح و رابطه ثانویه ایجاد شود. پس‌ازاینکه روابط ثانویه بررسی و ایجاد شد، بر اساس قدرت نفوذ و همچنین میزان وابستگی هر متغیر اقدام به سطح‌بندی مقوله‌های می‌شود. قدرت نفوذ و میزان وابستگی هریک از مقوله‌ها در جدول شماره ۷ مشخص شده‌اند.

جدول شماره ۷: ماتریس دستیابی اولیه سازگار شده

	C1	C2	C3	C4	C5	C6	C7	C8	C9	C10	C11	C12	C13	C14	C15	C16	C17	C18	C19	C20	قدرت نفوذ
C1	1	1	0	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	19
C2	1	1	0	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	19
C3	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	20
C4	0	0	0	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	17
C5	0	0	0	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	0	0	1	1	15
C6	0	0	0	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	0	0	1	1	15
C7	0	0	0	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	0	1	1	16
C8	0	0	0	1	1	1	1	1	1	1	1	0	1	1	1	1	0	0	1	1	14
C9	0	0	0	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	0	0	1	1	15
C10	0	0	0	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	0	0	1	1	15
C11	0	0	0	1	0	0	0	0	1	0	1	0	1	1	1	1	1	0	0	0	8
C12	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	1	0	0	0	0	0	0	0	0	1
C13	0	0	0	1	1	1	1	1	1	1	1	0	1	1	1	1	0	0	1	1	14
C14	0	0	0	1	0	0	0	0	0	0	0	0	1	1	0	1	0	0	0	0	4
C15	0	0	0	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	17
C16	0	0	0	1	0	0	0	0	0	0	0	0	1	0	0	1	0	0	0	0	3
C17	0	0	0	1	0	0	0	0	0	0	0	1	1	1	1	1	1	1	0	1	9
C18	0	0	0	1	0	1	0	1	1	0	1	1	1	1	1	1	1	1	0	1	13
C19	0	0	0	1	0	1	0	1	1	0	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	14
C20	0	0	0	1	0	1	1	1	1	0	1	1	1	1	1	1	1	0	0	1	13
میزان وابستگی	3	3	1	19	12	15	13	15	16	12	16	15	19	18	17	19	11	8	13	16	

در گام چهارم باید بر اساس ماتریس دستیابی اولیه سازگار شده سطح هر متغیر را به دست آورد. بدین صورت که هر یک از مقوله‌ها پس از شناسایی میزان قدرت نفوذ و میزان وابستگی‌اش توسط نرم‌افزار سطح‌بندی می‌شود. در نرم‌افزار سطح‌بندی مقوله‌ها از سطح یک که تأثیر پذیراترین مقوله‌ها هستند؛ آغاز می‌شود و این روند با مشخص شدن سطوح دیگر که منجر به شناسایی تأثیرگذارترین مقوله یا مقوله‌ها می‌شود؛ ادامه می‌یابد. لازم به ذکر است که در فرایند تعیین سطح هر یک از مقوله یا مقوله‌هایی که سطح آن در الگو تعیین شده است از فرایند سطح‌بندی دیگر مقوله‌ها کنار گذاشته می‌شود و سطح‌بندی الگو با مقوله‌های باقی‌مانده ادامه می‌یابد تا اینکه مقوله یا مقوله‌های نهایی که تأثیرگذارترین مقوله یا مقوله‌ها هستند؛ شناسایی و در سطح پایانی قرار بگیرند. در جدول شماره ۸، مقوله‌هایی که در سطح اول الگو قرار می‌گیرند؛ استخراج شدند. این مقوله‌ها شامل شاخص‌های C12، C13 و C16 هستند. در ادامه برای تعیین مقوله‌های سطح دوم کافی است سطر و ستون این ۳ مقوله را از ماتریس سازگار شده حذف کنیم و دوباره مراحل خروجی، ورودی و اشتراک را تعیین نماییم. نتایج در جدول شماره ۹ آورده شده است.

جدول شماره ۸: مقوله های سطح ۱

نام مقوله	خروجی	ورودی	اشتراک	سطح
C1	C1C2C4C5C6C7C8C9C10 C11C12C13C14C15C16C1 7C18C19C20	C1C2C3	C1C2	
C2	C1C2C4C5C6C7C8C9C10 C11C12C13C14C15C16C1 7C18C19C20	C1C2C3	C1C2	
C3	C1C2C3C4C5C6C7C8C9C 10C11C12C13C14C15C16 C17C18C19C20	C3	C3	
C4	C4C5C6C7C8C9C10C11C 12C13C14C15C16C17C18 C19C20	C1C2C3C4C5C6C7C8C 9C10C11C13C14C15C1 6C17C18C19C20	C4C5C6C7C8C9C10 C11C13C14C15C16C 17C18C19C20	
C5	C4C5C6C7C8C9C10C11C 12C13C14C15C16C19C20	C1C2C3C4C5C6C7C8C 9C10C13C15	C4C5C6C7C8C9C10 C13C15	
C6	C4C5C6C7C8C9C10C11C 12C13C14C15C16C19C20	C1C2C3C4C5C6C7C8C 9C10C13C15C18C19C2 0	C4C5C6C7C8C9C10 C13C15C19C20	
C7	C4C5C6C7C8C9C10C11C 12C13C14C15C16C17C19 C20	C1C2C3C4C5C6C7C8C 9C10C13C15C20	C4C5C6C7C8C9C10 C13C15C20	
C8	C4C5C6C7C8C9C10C11C 13C14C15C16C19C20	C1C2C3C4C5C6C7C8C 9C10C13C15C18C19C2 0	C4C5C6C7C8C9C10 C13C15C19C20	
C9	C4C5C6C7C8C9C10C11C 12C13C14C15C16C19C20	C1C2C3C4C5C6C7C8C 9C10C11C13C15C18C1 9C20	C4C5C6C7C8C9C10 C11C13C15C19C20	
C10	C4C5C6C7C8C9C10C11C 12C13C14C15C16C19C20	C1C2C3C4C5C6C7C8C 9C10C13C15	C4C5C6C7C8C9C10 C13C15	
C11	C4C9C11C13C14C15C16 C17	C1C2C3C4C5C6C7C8C 9C10C11C13C15C18C1 9C20	C4C9C11C13C15	
C12	C12	C1C2C3C4C5C6C7C9C 10C12C15C17C18C19C 20	C12	1
C13	C4C5C6C7C8C9C10C11C 13C14C15C16C19C20	C1C2C3C4C5C6C7C8C 9C10C11C13C14C15C1 6C17C18C19C20	C4C5C6C7C8C9C10 C11C13C14C15C16C 19C20	1
C14	C4C13C14C16	C1C2C3C4C5C6C7C8C 9C10C11C13C14C15C1 7C18C19C20	C4C13C14	
C15	C4C5C6C7C8C9C10C11C 12C13C14C15C16C17C18 C19C20	C1C2C3C4C5C6C7C8C 9C10C11C13C15C17C1 8C19C20	C4C5C6C7C8C9C10 C11C13C15C17C18C 19C20	
C16	C4C13C16	C1C2C3C4C5C6C7C8C 9C10C11C13C14C15C1 6C17C18C19C20	C4C13C16	1
C17	C4C12C13C14C15C16C17 C18C20	C1C2C3C4C7C11C15C1 7C18C19C20	C4C15C17C18C20	
C18	C4C6C8C9C11C12C13C1 4C15C16C17C18C20	C1C2C3C4C15C17C18C 19	C4C15C17C18	
C19	C4C6C8C9C11C12C13C1 4C15C16C17C18C19C20	C1C2C3C4C5C6C7C8C 9C10C13C15C19	C4C6C8C9C13C15C1 9	
C20	C4C6C7C8C9C11C12C13 C14C15C16C17C20	C1C2C3C4C5C6C7C8C 9C10C13C15C17C18C1 9C20	C4C6C7C8C9C13C15 C17C20	

جدول شماره ۹: مقوله‌های سطح ۲

نام مقوله	خروجی	ورودی	اشتراک	سطح
C1	C1C2C4C5C6C7C8C9C10 C11C14C15C17C18C19C 20	C1C2C3	C1C2	
C2	C1C2C4C5C6C7C8C9C10 C11C14C15C17C18C19C 20	C1C2C3	C1C2	
C3	C1C2C3C4C5C6C7C8C9 C10C11C14C15C17C18C 19C20	C3	C3	
C4	C4C5C6C7C8C9C10C11C 14C15C17C18C19C20	C1C2C3C4C5C6C7C 8C9C10C11C14C15C 17C18C19C20	C4C5C6C7C8C9C10 C11C14C15C17C18C 19C20	2
C5	C4C5C6C7C8C9C10C11C 14C15C19C20	C1C2C3C4C5C6C7C 8C9C10C15	C4C5C6C7C8C9C10 C15	
C6	C4C5C6C7C8C9C10C11C 14C15C19C20	C1C2C3C4C5C6C7C 8C9C10C15C18C19C 20	C4C5C6C7C8C9C10 C15C19C20	
C7	C4C5C6C7C8C9C10C11C 14C15C17C19C20	C1C2C3C4C5C6C7C 8C9C10C15C20	C4C5C6C7C8C9C10 C15C20	
C8	C4C5C6C7C8C9C10C11C 14C15C19C20	C1C2C3C4C5C6C7C 8C9C10C15C18C19C 20	C4C5C6C7C8C9C10 C15C19C20	
C9	C4C5C6C7C8C9C10C11C 14C15C19C20	C1C2C3C4C5C6C7C 8C9C10C11C15C18C 19C20	C4C5C6C7C8C9C10 C11C15C19C20	
C10	C4C5C6C7C8C9C10C11C 14C15C19C20	C1C2C3C4C5C6C7C 8C9C10C15	C4C5C6C7C8C9C10 C15	
C11	C4C9C11C14C15C17	C1C2C3C4C5C6C7C 8C9C10C11C15C18C 19C20	C4C9C11C15	
C14	C4C14	C1C2C3C4C5C6C7C 8C9C10C11C14C15C 17C18C19C20	C4C14	2
C15	C4C5C6C7C8C9C10C11C 14C15C17C18C19C20	C1C2C3C4C5C6C7C 8C9C10C11C15C17C 18C19C20	C4C5C6C7C8C9C10 C11C15C17C18C19C 20	
C17	C4C14C15C17C18C20	C1C2C3C4C7C11C15 C17C18C19C20	C4C15C17C18C20	
C18	C4C6C8C9C11C14C15C1 7C18C20	C1C2C3C4C15C17C1 8C19	C4C15C17C18	
C19	C4C6C8C9C11C14C15C1 7C18C19C20	C1C2C3C4C5C6C7C 8C9C10C15C19	C4C6C8C9C15C19	
C20	C4C6C7C8C9C11C14C15 C17C20	C1C2C3C4C5C6C7C 8C9C10C15C17C18C 19C20	C4C6C7C8C9C15C17 C20	

در جدول شماره ۹، مقوله‌های سطح دوم استخراج شد که شامل شاخص‌های C4 و C14 می‌باشد حال برای تعیین مقوله‌های سطح سوم کافی است سطر و ستون این ۲ مقوله را از ماتریس سازگار شده حذف کنیم و دوباره مراحل خروجی، ورودی و اشتراک تعیین شود نتایج در جدول شماره ۱۰ آورده شده است.

جدول شماره ۱۰: مقوله‌های سطح ۳

نام مقوله	خروجی	ورودی	اشتراک	سطح
C1	C1C2C5C6C7C8C9C10C11C15C17C18C19C20	C1C2C3	C1C2	
C2	C1C2C5C6C7C8C9C10C11C15C17C18C19C20	C1C2C3	C1C2	
C3	C1C2C3C5C6C7C8C9C10C11C15C17C18C19C20	C3	C3	
C5	C5C6C7C8C9C10C11C15C19C20	C1C2C3C5C6C7C8C9C10C15	C5C6C7C8C9C10C15	
C6	C5C6C7C8C9C10C11C15C19C20	C1C2C3C5C6C7C8C9C10C15C18C19C20	C5C6C7C8C9C10C15C19C20	
C7	C5C6C7C8C9C10C11C15C17C19C20	C1C2C3C5C6C7C8C9C10C15C20	C5C6C7C8C9C10C15C20	
C8	C5C6C7C8C9C10C11C15C19C20	C1C2C3C5C6C7C8C9C10C15C18C19C20	C5C6C7C8C9C10C15C19C20	
C9	C5C6C7C8C9C10C11C15C19C20	C1C2C3C5C6C7C8C9C10C11C15C18C19C20	C5C6C7C8C9C10C11C15C19C20	3
C10	C5C6C7C8C9C10C11C15C19C20	C1C2C3C5C6C7C8C9C10C15	C5C6C7C8C9C10C15	
C11	C9C11C15C17	C1C2C3C5C6C7C8C9C10C11C15C18C19C20	C9C11C15	
C15	C5C6C7C8C9C10C11C15C17C18C19C20	C1C2C3C5C6C7C8C9C10C11C15C17C18C19C20	C5C6C7C8C9C10C11C15C17C18C19C20	3
C17	C15C17C18C20	C1C2C3C7C11C15C17C18C19C20	C15C17C18C20	3
C18	C6C8C9C11C15C17C18C20	C1C2C3C15C17C18C19	C15C17C18	
C19	C6C8C9C11C15C17C18C19C20	C1C2C3C5C6C7C8C9C10C15C19	C6C8C9C15C19	
C20	C6C7C8C9C11C15C17C20	C1C2C3C5C6C7C8C9C10C15C17C18C19C20	C6C7C8C9C15C17C20	

در جدول شماره ۱۰، مقوله‌های سطح سوم استخراج شد که شامل شاخص‌های C9، C15 و C17 می‌باشد حال برای تعیین مقوله‌های سطح چهارم کافی است سطر و ستون این ۳ مقوله را از ماتریس سازگار شده حذف می‌شود و دوباره مراحل خروجی، ورودی و اشتراک تعیین شود. نتایج در جدول شماره ۱۱ آورده شده است.

جدول شماره ۱۱: مقوله‌های سطح ۴

نام مقوله	خروجی	ورودی	اشتراک	سطح
C1	C1C2C5C6C7C8C10 C11C18C19C20	C1C2C3	C1C2	
C2	C1C2C5C6C7C8C10 C11C18C19C20	C1C2C3	C1C2	
C3	C1C2C3C5C6C7C8C 10C11C18C19C20	C3	C3	
C5	C5C6C7C8C10C11C 19C20	C1C2C3C5C6C7C8C1 0	C5C6C7C8C10	
C6	C5C6C7C8C10C11C 19C20	C1C2C3C5C6C7C8C1 0C18C19C20	C5C6C7C8C10C19C20	
C7	C5C6C7C8C10C11C 19C20	C1C2C3C5C6C7C8C1 0C20	C5C6C7C8C10C20	
C8	C5C6C7C8C10C11C 19C20	C1C2C3C5C6C7C8C1 0C18C19C20	C5C6C7C8C10C19C20	
C10	C5C6C7C8C10C11C 19C20	C1C2C3C5C6C7C8C1 0	C5C6C7C8C10	
C11	C11	C1C2C3C5C6C7C8C1 0C11C18C19C20	C11	4
C18	C6C8C11C18C20	C1C2C3C18C19	C18	
C19	C6C8C11C18C19C20	C1C2C3C5C6C7C8C1 0C19	C6C8C19	
C20	C6C7C8C11C20	C1C2C3C5C6C7C8C1 0C18C19C20	C6C7C8C20	

در جدول ۱۱، مقوله‌های سطح چهارم استخراج شد که شامل شاخص C11 می‌باشد حال برای تعیین مقوله‌های سطح پنجم کافی است سطر و ستون این مقوله از ماتریس سازگار شده حذف و دوباره مراحل خروجی، ورودی و اشتراک تعیین شود نتایج در جدول شماره ۱۲ آورده شده است.

جدول شماره ۱۲: مقوله‌های سطح ۵

نام مقوله	خروجی	ورودی	اشتراک	سطح
C1	C1C2C5C6C7C8C10C18C 19C20	C1C2C3	C1C2	
C2	C1C2C5C6C7C8C10C18C 19C20	C1C2C3	C1C2	
C3	C1C2C3C5C6C7C8C10C1 8C19C20	C3	C3	
C5	C5C6C7C8C10C19C20	C1C2C3C5C6C7C8 C10	C5C6C7C8C10	
C6	C5C6C7C8C10C19C20	C1C2C3C5C6C7C8 C10C18C19C20	C5C6C7C8C10C 19C20	5
C7	C5C6C7C8C10C19C20	C1C2C3C5C6C7C8 C10C20	C5C6C7C8C10C 20	

نام مقوله	خروجی	ورودی	اشتراک	سطح
C8	C5C6C7C8C10C19C20	C1C2C3C5C6C7C8 C10C18C19C20	C5C6C7C8C10C 19C20	5
C10	C5C6C7C8C10C19C20	C1C2C3C5C6C7C8 C10	C5C6C7C8C10	
C18	C6C8C18C20	C1C2C3C18C19	C18	
C19	C6C8C18C19C20	C1C2C3C5C6C7C8 C10C19	C6C8C19	
C20	C6C7C8C20	C1C2C3C5C6C7C8 C10C18C19C20	C6C7C8C20	5

در جدول شماره ۱۲، مقوله‌های سطح پنجم استخراج شد که شامل شاخص‌های C6، C8 و C20 می‌باشد حال برای تعیین مقوله‌های سطح ششم کافی است سطر و ستون این ۳ مقوله را از ماتریس سازگار شده حذف و دوباره مراحل خروجی، ورودی و اشتراک تعیین شود نتایج در جدول شماره ۱۳ آورده شده است.

جدول شماره ۱۳: مقوله‌های سطح ۶

نام مقوله	خروجی	ورودی	اشتراک	سطح
C1	C1C2C5C7C10C18C19	C1C2C3	C1C2	
C2	C1C2C5C7C10C18C19	C1C2C3	C1C2	
C3	C1C2C3C5C7C10C18C1 9	C3	C3	
C5	C5C7C10C19	C1C2C3C5C7C10	C5C7C10	
C7	C5C7C10C19	C1C2C3C5C7C10	C5C7C10	
C10	C5C7C10C19	C1C2C3C5C7C10	C5C7C10	
C18	C18	C1C2C3C18C19	C18	6
C19	C18C19	C1C2C3C5C7C10C19	C19	

در جدول شماره ۱۳، مقوله‌های سطح ششم استخراج شد که شامل شاخص C18 می‌باشد حال برای تعیین مقوله‌های سطح هفتم کافی است سطر و ستون این مقوله را از ماتریس سازگار شده حذف و دوباره مراحل خروجی، ورودی و اشتراک تعیین شود نتایج در جدول شماره ۱۴ آورده شده است.

جدول شماره ۱۴: مقوله‌های سطح ۷

نام مقوله	خروجی	ورودی	اشتراک	سطح
C1	C1C2C5C7C10C19	C1C2C3	C1C2	
C2	C1C2C5C7C10C19	C1C2C3	C1C2	
C3	C1C2C3C5C7C10C19	C3	C3	
C5	C5C7C10C19	C1C2C3C5C7C10	C5C7C10	
C7	C5C7C10C19	C1C2C3C5C7C10	C5C7C10	
C10	C5C7C10C19	C1C2C3C5C7C10	C5C7C10	
C19	C19	C1C2C3C5C7C10C19	C19	7

در جدول شماره ۱۴، مقوله‌های سطح هفتم استخراج شد که شامل شاخص C19 می‌باشد حال برای تعیین مقوله‌های سطح هشتم کافی است سطر و ستون این مقوله را از ماتریس سازگار شده حذف و دوباره مراحل خروجی، ورودی و اشتراک تعیین شود نتایج در جدول ۱۵ آورده شده است.

جدول شماره ۱۵: مقوله‌های سطح ۸

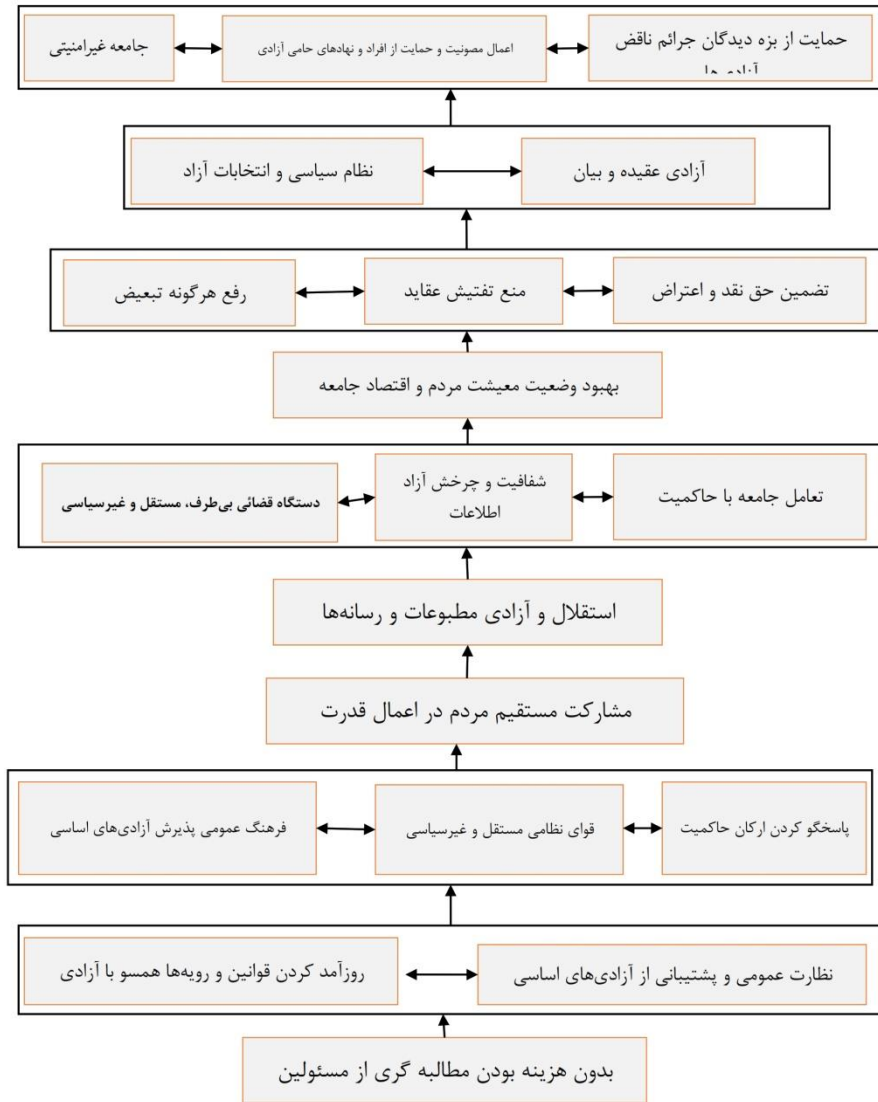
نام مقوله	خروجی	ورودی	اشتراک	سطح
C1	C1C2C5C7C10	C1C2C3	C1C2	
C2	C1C2C5C7C10	C1C2C3	C1C2	
C3	C1C2C3C5C7C10	C3	C3	
C5	C5C7C10	C1C2C3C5C7C10	C5C7C10	8
C7	C5C7C10	C1C2C3C5C7C10	C5C7C10	8
C10	C5C7C10	C1C2C3C5C7C10	C5C7C10	8

در جدول شماره ۱۵، مقوله‌های سطح هشتم استخراج شد که شامل شاخص‌های C5، C7 و C10 می‌باشد حال برای تعیین مقوله‌های سطح هشتم کافی است سطر و ستون این ۳ مقوله از ماتریس سازگار شده حذف و دوباره مراحل خروجی، ورودی و اشتراک تعیین شود نتایج در جدول شماره ۱۶ آورده شده است.

جدول شماره ۱۶: مقوله‌های سطح ۹ و ۱۰

نام مقوله	خروجی	ورودی	اشتراک	سطح
C1	C1C2	C1C2C3	C1C2	9
C2	C1C2	C1C2C3	C1C2	9
C3	C1C2C3	C3	C3	10

در گام نهایی با استفاده از سطوح به‌دست‌آمده از مقوله‌ها، شبکه تعاملات ISM یا همان الگوی سلسله مراتبی پژوهش رسم می‌شود. در الگوی به‌دست‌آمده اگر بین دو مقوله‌ها رابطه وجود داشته باشد آن رابطه به‌وسیله یک پیکان جهت‌دار نشان داده می‌شود. دیاگرام نهایی ایجادشده که با استفاده از بخش‌بندی سطوح به‌دست‌آمده است در شکل یک نشان داده شده است.



شکل یک: الگوی سلسله مراتبی حمایت کيفری از آزادی های اساسی با رویکرد بهبود امنیت اجتماعی

نتیجه‌گیری

این پژوهش باهدف طراحی الگوی سلسله‌مراتبی حمایت‌کیفری از آزادی‌های اساسی با رویکرد بهبود امنیت اجتماعی انجام شد. در این پژوهش با بررسی تفکرات حاکم بر هرکدام از مفاهیم امنیت و آزادی سعی در دستیابی به مدلی کرد تا از رهگذر اعمال آن به امنیت پایدار اجتماعی رسید. بررسی در مبنای نظری مفاهیم امنیت و آزادی حکایت از تشتت گسترده در تعبیر هر یک از مفاهیم دارد. گروهی از متفکران ضرورت وجودی امنیت را چنان در نظر گرفته‌اند که تعرض به آن را نافی حیات اجتماعی انسان دانسته‌اند و معتقد امنیت اساس بقای یک اجتماع است؛ ایشان اصرار دارند که در جامعه فقط دولت‌ها هستند که در اعمال قدرتشان آزادی دارند تا بتوانند امنیت را مستقر نمایند. در مقابل گروهی دیگر از اندیشمندان آزادی و آزاد بودن را ذاتی انسان می‌دانند و براین باور هستند که زندگی بدون آزادی فرد را از ماهیت انسانی تهی می‌گرداند؛ این گروه آزادی را در چارچوب‌های سرزمینی تعریف نمی‌کنند بلکه با نگاهی فراتر از مرزها معتقدند تعالی انسانی جز از طریق آزادی و آزادانه عمل کردن انسان به دست نمی‌آید. در روند مطالعات به نظریات بینابینی برخورد کردیم که عقیده بر ایجاد تعادل بین دو مفهوم آزادی و امنیت را در سر می‌پروراندند؛ در این گروه اندیشمندان، پژوهشگران و نویسندگان هر یک به‌زعم خود در تلاش بوده‌اند تا فضایی را ترسیم کنند که بتوان با تکیه بر صورت‌هایی از زندگی اجتماعی به تعادل بین مفاهیم آزادی و امنیت دست یابند. برخی از ایشان بر جنبه‌های فرهنگی، برخی بر فضای اقتصادی، گروهی به ضرورت‌های آموزشی تکیه می‌کردند و حتی در برخی از موارد حفظ وضعیت موجود جوامع سنتی با فضای قبیله‌ای تکیه داشته‌اند. مع‌الوصف بررسی‌ها نشان داد که در مطالعاتی که سابقاً در حقوق کیفری ایران توسط دیگر محققان انجام شده است به مدلی که بتوان ضمن تضمین آزادی‌های اساسی در بهبود امنیت اجتماعی اثرگذار باشد؛ اشاره نرفته است. بدین منظور بر آن شدیم تا با در نظر گرفتن اهمیت تضمین آزادی‌های اساسی و ضرورت بهبود امنیت اجتماعی مدلی کاربردی را ارائه نماییم. مدل ساختاری تفسیری به‌دست‌آمده حکایت از این مهم دارد که در الگوی مطلوب امنیت اجتماعی در ایران بر پایه آزادی‌های اساسی بدون هزینه بودن مطالبه‌گری تأثیرگذارترین مقوله مدل است؛ یعنی اینکه می‌بایست بدون هزینه بودن مطالبه‌گری در جامعه به‌عنوان اولین ضرورت که بیشترین تأثیر را بر دیگر متغیرها دارد؛ مورد توجه قرار بگیرد. به‌عبارتی دیگر هرچقدر مطالبه‌گری بدون هزینه شود؛ می‌توان ادعا کرد در راستای تقویت امنیت اجتماعی قدم برآورده‌ایم. الگوی به‌دست‌آمده از تأثیرگذارترین متغیر به سمت تأثیرپذیرترین متغیر دارای سطوحی است. پس از به دست آمدن مدل با سطوح ده‌گانه است که می‌تواند قانون‌گذار کیفری را به سمت تصمیم‌گیری در رابطه با تعیین ضمانات اجراهای

کیفری و کیفیت آن‌ها رهنمود کند؛ در این مرحله است که می‌توان به قانون‌گذار گفت از چه مقوله‌ای به چه میزان حمایت کند تا به‌منظور غایی خود از تعیین کیفر که در اینجا همانا امنیت اجتماعی است؛ برسد. در مدل ساختاری تفسیری به‌دست‌آمده تأثیرگذارترین مقوله به‌عنوان دهمین سطح الگو مقوله بدون هزینه بودن مطالبه‌گری از مسئولین است. بدون هزینه بودن مطالبه‌گری از مسئولین در ساختار به‌دست‌آمده پایه و اساس شکل‌گیری الگو است؛ به‌نحوی که تحقق مقوله موصوف باعث و مبنای پیدایش سطح نهم الگو که دربرگیرنده دو مقوله نظارت عمومی و پشتیبانی از آزادی‌های اساسی و مقوله روزآمد کردن قوانین و رویه‌ها همسو با آزادی است. مقوله نظارت عمومی و پشتیبانی از آزادی‌های اساسی به همراه مقوله روزآمد کردن قوانین و رویه‌ها همسو با آزادی تأثیرگذاری مستقیمی بر مقوله سطح هشتم دارد به‌گونه‌ای که تحقق سطح نهم الگو باعث تحقق سطح هشتم الگو می‌شود که دربرگیرنده مقوله فرهنگ عمومی پذیرش آزادی‌های اساسی، مقوله قوای نظامی مستقل و غیرسیاسی و مقوله پاسخگو کردن ارکان حاکمیت است. بر اساس داده‌های پژوهش و تحلیل صورت گرفته توسط نرم‌افزار میک، هویت مقوله‌های سطح هشتم الگو هویتی رابط گونه است. بدین معنی که مقوله‌های سطح هشتم الگو ماهیتی بینابینی دارند به صورتی که نقش رابط بین مقوله‌های الگو را بازی می‌کنند. تحقق سطح هشتم بر اساس داده‌های پژوهش باعث تحقق سطح هفتم الگو می‌شود. سطح هفتم الگو مقوله مشارکت مستقیم مردم در اعمال قدرت است، هویت رابط گونه مقوله مشارکت مستقیم مردم در اعمال قدرت یعنی اینکه خود از مقوله‌های قبلی اثر می‌پذیرد و بر مقوله‌های بعدی خود اثر می‌بخشد؛ به عبارت دیگر مقوله مشارکت مستقیم مردم در اعمال قدرت از نظر اثربخشی دارای رابطه بینابینی است. از نظر فرایندی تحقق سطح هفتم موجبات تحقق سطح ششم الگو که مقوله استقلال و آزادی مطبوعات و رسانه‌هاست را فراهم می‌کند؛ مفهوم مستقل بودن هویت مقوله سطح ششم که تقریباً در وسط الگو قرار دارد بدین معنی است که این مقوله علاوه بر اینکه نقش رابط میان مقوله‌های الگو را دارد؛ از تأثیرگذارترین مقوله‌های مدل است؛ به‌نحوی که کمترین دخالت و تغییر در مقوله استقلال و آزادی مطبوعات و رسانه بر کل مدل اثر می‌گذارد. بر اساس یافته‌های پژوهش و از نظر تحلیل فرایندی تقویت بنیان‌های سطح ششم بر اساس یافته‌ها پژوهش باعث تقویت و بروز سطح پنجم الگو می‌گردد. سه مقوله با هویت رابط سطح پنجم الگو را تشکیل می‌دهند؛ مقوله تعامل جامعه با حاکمیت، مقوله شفافیت و چرخش آزاد اطلاعات و مقوله دستگاه قضایی بی‌طرف، مستقل و غیرسیاسی مقوله‌های سطح پنجم الگو هستند. هریک از مقوله‌های سطح پنجم با توجه به هویت رابطی که دارند در مدل دارای تأثیرپذیری و تأثیرگذاری بینابینی هستند. در جامعه‌ای که افراد آن با حاکمیت در تعامل باشند، اطلاعات به‌صورت آزادانه و شفاف در اختیار و دسترس همگان قرار گیرد و دستگاه قضایی

بی‌طرف، مستقل از حاکمیت و عاری از سیاسی‌کاری حافظ آزادی‌های اساسی باشد علاوه بر اینکه بر مقوله‌های بعدی الگو اثر می‌گذارد بلکه بر مقوله‌های قبل از سطح خود نیز تأثیر می‌گذارد. از نظر فرایندی تثبیت سطوح شش‌گانه قبلی در بهبود معیشت مردم و اقتصاد جامعه نیز مؤثر است. تحلیل‌های نرم‌افزاری صورت گرفته از داده‌های پژوهش حکایت از تعیین مقوله بهبود وضعیت معیشت مردم و اقتصاد جامعه به‌عنوان سطح چهارم الگو دارد. تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده از طریق نرم‌افزار میک مک دلالت دارند بر اینکه سطح چهارم الگو هویتی وابسته دارد؛ یعنی اینکه این سطح از الگو بیشترین تأثیر را از سطوح قبلی خود می‌پذیرد؛ اما در برابر دیگر مقوله‌های الگو اثربخشی به نسبت کمتری دارد. از مهم‌ترین یافته‌های پژوهش شناسایی هویت وابسته برای مقوله بهبود معیشت مردم و اقتصاد جامعه نسبت به دیگر مقوله‌های الگوی امنیت اجتماعی است؛ بدین معنا که تحقق سطوح قبلی الگو بیشترین تأثیر را بر بهبود معیشت مردم و اقتصاد جامعه می‌گذارد؛ به‌گونه‌ای که در جامعه‌ای مبتنی بر پایه‌های الگوی به‌دست‌آمده معیشت مردم و اقتصاد جامعه بهبود پیدا خواهد کرد اما الزاماً بهبود اقتصاد و معیشت مردم باعث تحقق دیگر مقوله‌های الگو نخواهد شد. به‌بیان‌دیگر تحقق فضای آزادی‌های اساسی متضمن تحقق و بهبود معیشت مردم و اقتصاد جامعه است؛ اما بهبود معیشت مردم و اقتصاد جامعه الزاماً باعث پیدایش و تحقق آزادی‌های اساسی نخواهد شد.

سطح سوم الگو دربرگیرنده سه مقوله است. مقوله تضمین حق نقد و اعتراض، مقوله منع تفتیش عقاید و مقوله رفع هرگونه تبعیض مقوله‌هایی هستند که سطح سوم الگو را به خود اختصاص داده‌اند. هویت شناسایی شده برای تضمین حق نقد و اعتراض بر اساس تحلیل‌های آماری هویت وابسته آن است؛ بدین معنی که مقوله تضمین حق نقد و اعتراض از دیگر مقوله‌های الگو بیشترین اثربخشی را دارد و اثرگذاری آن به نسبت کمتر از دیگر مقوله‌های الگو است؛ البته این هویت وابسته سبب نمی‌شود که تضمین حق نقد و اعتراض را از سطوح الگو کنار بگذاریم یا احیاناً آن را تضعیف نماییم؛ زیرا کوچک‌ترین تغییر در ساختار این مقوله که خود به دیگر مقوله‌های الگو وابسته است بر کل ساختار الگو اثر می‌گذارد. دیگر مقوله سطح سوم، مقوله منع تفتیش عقاید است. ممنوعیت تفتیش عقاید یکی از بدیهی‌ترین جلوه‌های آزادی در جوامع انسانی است. ممنوعیت تفتیش عقاید از چنان اهمیتی برخوردار است که در اصل ۲۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران صراحتاً بدان تأکید شده است؛ هویت رابط گونه مقوله ممنوعیت تفتیش عقاید در الگو دلالت بر این معنی دارد که هرچند این مقوله بر مقوله‌های الگو تأثیر دارد اما خود نیز از مقوله‌های الگو تأثیرپذیری قوی‌ای دارد. به‌عبارتی‌دیگر مقوله منع تفتیش عقاید به‌خودی‌خود کافی برای تحقق یک جامعه مبتنی بر آزادی‌های اساسی نیست؛ هرچند این ممنوعیت لازم است؛ اما تقویت و بنیان آن مستلزم بقاء و تحقق سایر سطوح الگوی امنیت

اجتماعی است.

مقوله رفع هرگونه تبعیض از اصل ۱۹ قانون اساسی قابل استنباط است. این مقوله یکی از سه مقوله سطح سوم الگو است که هویت رابط دارد. مقوله رفع هرگونه تبعیض از بنیان‌های یک جامعه انسانی است. رفع هرگونه تبعیض یکی از بدیهیات دین اسلام و از اصول اولیه انسانی است. هویت رابط بودن مقوله رفع هرگونه تبعیض در تحلیل‌های صورت گرفته دلالت دارد بر این مهم که دیگر مقوله‌های الگو بر تحققش اثر مستقیم دارند؛ به‌گونه‌ای که بدون دیگر مقوله‌های الگو موجودیتش از دست خواهد رفت. به‌عبارتی دیگر رفع هرگونه تبعیض با تحقق سایر سطوح الگو محقق می‌شود و تحققش نیز بر دیگر سطوح تأثیر می‌گذارد.

تحلیل فرایندی الگو حکایت از این واقعیت دارد که دستیابی به سطوح هشت‌گانه مذکور به‌خودی‌خود منجر به تحقق سطح دوم الگو می‌شود. در سطح دوم الگو دو مقوله با هویت‌های مختلف وجود دارد. مقوله آزادی عقیده و بیان با هویتی وابسته و مقوله نظام سیاسی و انتخابات آزاد با هویتی رابط دو مقوله‌ای هستند که در سطح دوم الگو قرار می‌گیرند. آزادی عقیده و بیان با وصف اهمیتی که دارد از اثر پذیراترین مقوله‌های الگو است؛ به‌گونه‌ای که منتفی شدن هر یک از مقوله‌های الگو بیشترین تأثیر را بر آن دارد؛ اما در مقابل خود بر سایر مقوله‌های الگو اثرگذار کمتری دارد؛ البته هویت وابسته مقوله آزادی عقیده و بیان معنی نیست که می‌توان آن را الگو خارج کرد؛ بلکه اگر کوچک‌ترین تغییری در آن ایجاد نمود باعث تغییر در ساختار الگو خواهد شد. مقوله بعدی که در سطح دوم الگو قرار دارد مقوله نظام سیاسی و انتخابات آزاد است. در تحلیل‌های صورت گرفته از داده‌های پژوهش برای مقوله نظام سیاسی و انتخابات آزاد هویت رابط شناسایی شد؛ یعنی اینکه یک نظام سیاسی همراه با انتخابات آزاد همان قدر بر الگوی امنیت اجتماعی در ایران تأثیر می‌گذارد که از آن اثر می‌پذیرد؛ به‌بیان‌دیگر تا زمانی که سطوح قبلی الگو تحقق، تثبیت و تقویت نشوند نمی‌توانیم شاهد یک نظام سیاسی و انتخابات آزاد باشیم در مقابل نیز یک نظام سیاسی و انتخابات آزاد است که می‌تواند بر کل مجموعه امنیت اجتماعی اثر بگذارد.

فرایند الگو چنین نشان می‌دهد که سطح اول الگو برآیند تحقق سطوح نه‌گانه الگو است؛ سطح اول الگو آخرین سطح تعریف‌شده است که دربرگیرنده مقوله جامعه غیرامنیتی، مقوله اعمال مصونیت از افراد و نهادهای حامی آزادی و مقوله حمایت از بزه دیدگان جرائم ناقض آزادی است. سایر سطوح الگو بر اساس مقوله‌های ساختاری و تفسیری بیشترین تأثیرگذاری را در الگو دارند و بر اساس فرایند خود باعث تحقق سطح اول الگو که همان جامعه غیرامنیتی و حامی بزه دیدگان جرائم ناقض آزادی است؛ می‌شود. دیگر مقوله سطح اول که برایش هویت رابط در الگو شناسایی شده است؛ مقوله اعمال مصونیت و حمایت از افراد و نهادهای حامی آزادی است.

میزان اثربخشی و اثرپذیری مقوله سوم سطح اول از دیگر مقوله‌های الگو به میزانی برابر است؛ یعنی اینکه اعمال مصونیت و حمایت از افراد و نهادهای حامی آزادی به همان میزان که بر دیگر مقوله‌های الگو اثر می‌گذارد بر آن‌ها نیز تأثیر دارد.

در مطالب گذشته عرض شد که از لحاظ مبانی نظری دیدگاه‌های متفاوتی راجع به امنیت و آزادی مطرح شده است. یافته‌های پژوهش حاضر که از طریق آن الگوی مطلوب امنیت اجتماعی در ایران ارائه شد به روشنی از نظریات و فلاسفه‌ای که مبنای فکری‌شان امنیت‌گرایی است دوری و کناره گرفته است. الگوی مطلوب امنیت اجتماعی در ایران نمی‌تواند بر پایه‌های تئوری‌های امنیتی اندیشمندانی همچون هابز پایه‌گذاری شود. الگوی ارائه شده حکایت از این واقعیت دارد که نظریه‌های ایجاد تعادل بین امنیت و آزادی نیز در جامعه ایرانی نمی‌تواند موفق باشند؛ نتایج پژوهش نشان داد الگوی به دست آمده نظریه بزرگانی که قائل بر ایجاد تعادل بین امنیت و آزادی هستند را نیز نمی‌پذیرد؛ بلکه الگوی امنیت اجتماعی در ایران می‌بایست بر پایه آزادی‌های اساسی استوار شود؛ آزادی‌های که ذاتی انسان و جزو ماهیت وجودی آن‌ها که در فلسفه جان لاک نیز بر آن‌ها تأکید شده است. جامعه‌ای که بر پایه آزادی استوار نباشد به خودی خود مستعد هرگونه تعدی و تضعیف شئون انسانی است. جامعه‌ای که در آن آزادی ظهور کند، رشد یابد و استوار گردد به راحتی می‌تواند تحولات اجتماعی را در خود هضم کند، مردم را با حاکمیت همراه نماید، نظامیان خود را از عرصه سیاست دور کنند، فرهنگ حامی آزادی را تقویت کند، مردم را در اعمال قدرت سهم کند، ارکان جامعه را پاسخگو کند، دستگاه قضایی را بی‌طرف نماید، معیشت مردم بهبود بخشد، عقاید آزادانه نشر پیدا کنند و نقد شوند، نظام سیاسی و انتخابات آزاد شود و از بزه دیدگان جرائم ناقض آزادی حمایت و در نهایت جامعه‌ای غیرامنیتی به مفهوم واقعی آن لمس گردد.

تناهی کلام اینکه با تکیه بر الگوی سلسه‌مراتبی به دست آمده است که قانون‌گذار کیفری می‌تواند با در نظر گرفتن هویت و سطح هریک از مقوله‌ها اقدام به تعیین ضمانت اجرای کیفری متناسب با هر یک از مفاهیم داخل در مقوله‌های منعکس در الگو نماید.

فهرست منابع

۱. اکبری، محسن، قیاسی، رضا، آل طه، سید حسن، هوشمند چایجانی، میلاد و آهی، پرویز، (۱۳۹۴)، بررسی تأثیر استفاده ناآگاهانه از شبکه‌های اجتماعی بر امنیت اجتماعی با تعدیل‌گری درگیری ذهنی کاربران، فصلنامه پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی، سال یازدهم، شماره یک، ۸۴-۶۵.
۲. افتخاری، اصغر، (۱۳۹۳)، تحلیل الگوی تعامل آزادی و امنیت، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، شماره ۳۸، ۹۹-۸۳.
۳. احمدی، اصغر، خسروشاهی، قدرت‌الله، شاملو، باقر، (۱۳۹۵)، حمایت‌کنفیری از محیط‌زیست شهری در حقوق‌کنفیری ایران، مجله اقتصاد شهری، شماره ۲، ۵۴-۳۷.
۴. فهیمه، سمیرا پور، سعادت یار، سادات و بیطرف، فاطمه، (۱۳۹۳)، رضایت از پلیس و بررسی نقش عوامل مرتبط با آن در میان دانشجویان دانشگاه‌های شهر اصفهان، مجله انتظام اجتماعی، سال ششم پاییز، شماره ۳، ۸۰-۵۷.
۵. صالحی امیری، سید رضا و افشاری نادری، افسر، (۱۳۹۶)، مبانی نظری و راهبردی مدیریت ارتقای امنیت اجتماعی و فرهنگی در تهران، راهبرد، شماره ۵۴، ۷۶-۴۹.
۶. عبدالهی، محمد، (۱۳۹۸)، طرح مسائل اجتماعی در ایران: اهداف و ضرورت‌ها در مجموعه مقالات مسائل اجتماعی ایران چاپ دوم، تهران: انتشارات آگه و انجمن جامعه‌شناسی ایران.
۷. افشانی، سید علیرضا و فرقانی، مهناز، (۱۳۹۶)، تفاوت بین نسلی احساس امنیت اجتماعی در بین والدین و فرزندان ساکن شهر یزد، مجله تحلیل اجتماعی نظم و نابرابری اجتماعی، شماره ۷۱، ۱۹۹-۱۷۳.
۸. علیزاده، محمد، (۱۳۹۵)، بررسی و مقایسه رابطه آزادی و امنیت در اندیشه سیاسی توماس هابز و جان لاک، مجله هستی و شناختی، شماره ۲، ۱۰۶-۸۵.
۹. رحمدل، منصور، (۱۳۹۲)، حمایت‌کنفیری از حقوق ملت، تحقیقات حقوقی آزاد، شماره ۱۸، ۸۴-۵۹.
10. Buzan, Barry; Weaver, Ole (1998). Liberalism and security: the contradictions of the liberal leviathan, Copenhagen peace research institute (COPRI) Working papers. 79-98pp.
11. Hunter, E. (2019). Class List [not equal to] Friend List. Educational Horizons, 90(2), 21-22. Retrieved from <http://goo.gl/21P5d8>.

